

## مفسران معاصر و پیوند معنایی سوره‌های قرآن

سید عباس صالحی

پیوند معنایی سوره‌های قرآن، در میان مفسران معاصر، از اقبال نسبی برخوردار بوده و هست. در زمره این مفسران، نامورانی چونان شیخ محمد عبده، رشید رضا، مراغی، صابونی، سید قطب، عزت دروزه، سعید حوی، ثنوی، فراحی، اصلاحی، طباطبایی، جوادی آملی و ... را می‌توان مشاهده کرد.

عوامل گوناگونی در این رویکرد - که البته در پیشینه تفسیری بی‌سابقه نبود - تأثیر گذار بود: در میان این زمینه‌های ذهنی - اجتماعی، شاید نکات زیر برجسته می‌نماید:

\* پراکنده‌نمایی قرآن، دستاویزی برای برخی مستشرقان بود - و هست - تا به اظهاراتی چونان فاقد تجانس، انسجام، و ... از قرآن یاد کنند و وجوه اعجاز بیانی کلام خداوند را با چالش مواجه سازند.

مفسران معاصر، که دغدغه پاسخ به شبهات نو را داشته و دارند، با پی‌گیری نظریه وحدت موضوعی در هر سوره، تلاش ورزیدند که هم در منظر نظری و هم در تطبیقات تفسیری، از موضوع و رویکرد واحد در هر سوره به دفاع برخیزند و با این موضع از سؤال و شبهه یاد شده پاسخ دهند.

\* گرایش‌ها و رویکردهای نظام‌واره و سیستماتیک به قرآن، پایگاه دیگری برای نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن بود. این که معارف قرآن - که در هزاران آیه گرد آمده‌اند - در یک نظم‌واره درونی قرار داشته، کهکشان معارف وحی، چونان حقایق هستی، در مدارهای مشخص حرکت می‌کنند. این مبنای اندیشگی، موجب پاره‌ای از رویکردهای تفسیری شد. از جمله می‌توان اقبال به نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن را اشارت داشت.

\* تأکید بر بُعد هدایتی - تربیتی قرآن در دوره‌های معاصر تفسیری، از عوامل دیگر گرایش وحدت موضوعی سوره‌های قرآن بود. در تفاسیر معاصر، رویکرد نوسازی فردی - اجتماعی مشهود است. جهت‌گیری که بتواند «قرآن» را مبنای



تعالی فرد مسلمان و شکوفایی تمدن اسلامی قرار دهد. در این نگرش، دریافت پیام‌های مشخص و هم مضمون از آیات وحی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. پیام‌هایی که بتوانند زیرساخت دگر سازی‌ها و نو آفرینی‌ها را شکل داده و سامان دهند. در دیدگاه مفسران معاصر با نظریه وحدت موضوعی در هر سوره، می‌توان بنیادها و پیکره این تمدن سازی را از منظر قرآن دریافت. چه اینکه با کشف اغراض سوره‌های قرآن، چشم انداز و افق نوسازی تمدنی (چه در فضای فردی و چه در ابعاد جمعی) تبیین و ترسیم خواهد گشت.

زمینه فوق، و موارد مشابه، موجی گسترده و کم سابقه در اعتقاد به نظریه وحدت موضوعی در سوره‌های قرآن پدید آورد و آن را یکی از مؤلفه‌ای رویکرد تفسیری در تفاسیر معاصر قرار داد.

اهمیت این موضوع، این ضرورت را پدید آورد که علاوه بر پرداخت نظری به موضوع ساختار وحدت گرایانه یا کثرت گرایانه سوره‌های قرآن، به چگونگی مواجهه مفسران معاصر با این موضوع پرداخته شود. و اینک در شماره دوم ویژه‌نامه «وحدت موضوعی سوره‌های قرآن» بخش اصلی مقالات به این مقوله اختصاص یافته است.

با مراجعه به تفاسیر معاصر، می‌توان به این نکته پی برد که مفسران یاد شده در فضای تفسیر و تطبیق این نظریه، با چالش‌های متعددی روبرو بوده‌اند. ابهام‌ها و پرسش‌هایی که گاه آنان را به عدول از نظریه کشانیده و یا آنان را به تخصیص و تأویل مجبور ساخته است. هر چند در مواردی هم با غفلت و تغافل از حاشیه نقدها و ابهامات گذر داشته‌اند.

در این نوشتار مختصر، بدون پرداخت تفصیلی و استنادی، به پاره‌ای از این نکات اشاراتی خواهیم داشت:

### سوره‌های مکی - مدنی

از مباحث آشنا و دیرباز علوم قرآنی، تقسیم آیات وحی، به آیات مکی و مدنی است. تفسیر رائج و مقبول از آن، تفسیر زمانی (و نه مکانی) است. بدین معنا که



آیات مکی، در آیات قبل از هجرت و آیات مدنی، در آیات پس از هجرت به کار می‌رود. دانشوران قرآنی، از دیرباز برای تفکیک آیات مکی و مدنی، معیارهایی را ارائه داشته‌اند. برخی، نص گرایانه به روایات منقول اعتماد ورزیده‌اند و سور مکی و مدنی را بر آن اساس تمایز بخشیده‌اند و برخی دیگر بر بنیادهای روش‌شناسانه به این تمییز و تمایز دست یازیده‌اند.

بخش وسیعی از مفسران معاصر، مبنای اخیر را پذیرفته‌اند. به نظر ایشان، روایات تعیین بخش به آیات مکی - مدنی قرآن، به واسطه تعارضات مضمونی و اختلالات سندی قابلیت اتکا را ندارند و تنها بایستی در افق قرائن درونی و بیرونی، به تشخیص زمان نزول پی برد.<sup>1</sup>

براساس این نگرش، قرائن و شواهدی برای تعیین زمان نزول ارائه داشتند. از جمله این که شاخصه مشترک سوره‌های مکی در قالب بیانی، ایجاز و گزیده‌گویی و نظم آهنگین در تعبیرات و جملات است. همچنین سوره‌های مکی در هویت معنایی، تفاوت روشنی با سوره‌های مدنی دارند. دعوت به اصول و بنیادهای باور اسلامی با بیان انداز گویان و تبشیرگرا، از مشخصات معنایی سوره‌های مکی است و نیز نکاتی دیگر.

این مفروضات و مبادی، پرسش اساسی را در برابر باورمندان نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن می‌دهد که در سوره‌های ترکیبی، یعنی سوره‌هایی که در آن هم آیات مکی و هم آیات مدنی قرار دارد، با توجه به دو افق معنایی - که جزء قرائن تفکیک بخش آیات مکی از مدنی است - چگونه می‌توان به وحدت موضوعی در یک سوره ره یافت؟! مگر نه اینکه گذرهای زمانی، موجب شکل‌گیری گزاره‌های متمایز (و البته نه متعارض) با ادبیات متفاوت شده‌اند. پس چگونه می‌توان گزاره‌ای متمایز را، که در آفاق زمانی متفاوت نازل گشته‌اند، در یک افق معنایی قرار داد. و از موضوع واحد سخن گفت؟!

علامه طباطبایی، که از باور مندان به نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآنند، در پاره‌ای از سوره‌های قرآن، با استفاده از قرائن درونی و بیرونی، به این نکته رو می‌آورند که سوره، ترکیبی از آیات مکی و مدنی است. به عنوان نمونه در سوره

معارج تا آیه 21 سوره را مکی و پس از آن را تا پایان سوره مدنی می‌دانند. ایشان به این نکته استشهد می‌ورزند که آیات (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ \* لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) (معارج/25-24) ناظر به زکات است و زکات در مدینه تشریح شده است. و وحدت سیاقی آیات قبل و بعد از آن، موجب می‌شود که از آیه 22 تا پایان سوره، مدنی محسوب شود. (طباطبایی، 5/20)

مشابه این نکته با استدلال به قرائن و شواهد را در موارد دیگر نیز می‌توان یافت. از جمله: سوره دهر، که آیات ابتدایی تا آیه 22 را مدنی می‌دانند که در ضمن آن آیات نازل در شأن اهل بیت :: آمده است: (وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا) (دهر/8) و آیات 23 تا پایان سوره را مکی می‌دانند. به دلیل مضامینی که با آیات مکی همخوان است: (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا \* فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ...) (دهر/24-23) بیانات و نکاتی که کاملاً با آیات مکی قرآن، همگرایی دارند. (طباطبایی، 120/20 و 135 و ...)

اما هم ایشان در ارائه موضوع از سوره‌های یادشده، یکسان برخورد نداشته‌اند. در سوره معارج، به رغم باور و استدلال به ترکیبی بودن سوره از آیات مکی - مدنی، به این نکته تصریح می‌ورزند که سیاق سوره، کاشف از آن است که در باره «اوصاف روز قیامت» است. (طباطبایی، 5/20) این بیان، نشانگر آن است که ایشان در سوره معارج، به موضوع واحد در سوره التزام می‌ورزند، اما در سوره دهر، تعبیراتی دارند که از آن تعدد موضوع در دو افق زمانی بر می‌آید. ایشان سوره دهر را به 2 بخش معنایی تقسیم می‌کنند: بخش اول - که تا آیه 22 و نازل در مدینه است - ناظر به «خلقت و نعمات دنیوی - اخروی انسان» است و بخش دوم، (از آیه 23 به بعد که آیات مکی است) ناظر به «نزول قرآن و صبر استقامت پیامبر 9 در مسیر وحی» است. (طباطبایی، 120/20)

از تعبیرات یاد شده در سوره دهر، می‌توان دریافت که ایشان، خواسته یا ناخواسته، با تغییر فضای زمانی نزول و محتوای گفتمانی آیات، به تعدد موضوع در سوره ره یافته‌اند. گرچه ایشان در ابتدای آیه 23، تلاش داشته‌اند که ارتباط معنایی

بین آیه و آیه 22، برقرار سازند، اما این ارتباط جویی، در سطح همگرایی مضمونی بین دو بخش یاد شده، نبوده است.

### سوره های طولانی قرآن

در طبقه‌بندی سوره‌های قرآن با عناوینی چون سوره‌های طوال (شامل سوره‌های بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف، انفال) و سوره‌های مؤین که شماره آیات آن بیش از 100 آیه است (شامل سوره‌های هود، اسراء، نحل، کهف، شعراء، صافات) مواجه هستیم.

دستیابی به موضوع واحد در این سوره‌های طولانی بس دشوار و آمیخته با تکلف بوده و هست. مفسران باورمند به وحدت موضوعی در این سوره‌ها در عقبه‌ای سخت گرفتار آمده‌اند.

گذری به تعبیر برخی از ناموران یاد شده در سوره بقره، نمایان‌گر این «عقبه کژود» است:

**1. سعید حوئی:** سوره بقره از یک مقدمه (تا آیه 20 است که اوصاف متقین، کافران و منافقان را بیان می‌کند) و سه بخش تشکیل شده است. بخش نخست آیه 21 تا 167 و بخش دوم آیه 168 تا 207 و بخش سوم آیه 208 تا 284 است و آیات پایانی سوره بقره به عنوان خاتمه سوره تلقی می‌شود. (سعید حوئی 61/1)

نویسنده، گرچه تلاش می‌کند که با ارائه این طبقه‌بندی سوره بقره را چونان کتاب مدون برخوردار از مقدمه، فصول و خاتمه قرار دهد، اما اولاً بین این 5 بخش، ارتباطی برقرار نمی‌کند. و ثانیاً در طبقه‌بندی موضوعی بخش‌های سه گانه (آیات 21 تا 284) گرفتار پراکندگی و تشتت موضوعی است. به عنوان نمونه، آنچه نویسنده محترم در شاکله موضوعی بخش دوم (آیات 168-207) بیان داشته‌اند چنین است:

«بخش دوم، تأکید به موضوع تقوا دارد... سپس مفهوم شکر و راه‌های آن را تعمیق می‌بخشد. بخش دوم سوره، پایان نمی‌یابد مگر این که موضوع تقوا، عبادت، شکر، صراط مستقیم (و نیز موضوع انحراف از صراط مستقیم و رویکردهای



منحرفان) شفاف و آشکار می‌شود و در بین این موضوعات، در مورد ارکان اسلام کلام تکمیل می‌شود: ایمان، زکات، روزه، حج. در نتیجه بستر درونی، قلبی و عقلی برای حرکت در مسیر اسلام تجهیز و آماده می‌شود. (همان 64/1)

خواننده در قالب این ادبیات و مفاهیم، در نمی‌یابد که بالأخره موضوع بخش دوم سوره بقره چیست؟! تقوا، شکر، صراط مستقیم، ارکان اسلام و...

**2. ابن عاشور:** او در ابتدای سوره، تصریح می‌کند که جهات معنایی سوره بسیار متنوع و گسترده‌اند و سوره بقره چندان اغراض گوناگون را در بردارد که مصداق لقب «خیمه قرآن» گردیده است. بنابراین نمی‌توان با گمان زنی، محتویات آن را احصاء کرد. (ابن عاشور 200/1)

ابن عاشور، پس از این مقدمه اظهار می‌دارد:

«اغراض اصلی سوره را می‌توان در 2 بخش خلاصه کرد: بخش نخست برتری اسلام بر ادیان پیشین. و بخش دوم تبیین احکام شریعت اسلام برای اصلاح جامعه انسانی (همان 201/1)

همان‌گونه که روشن می‌نماید اولاً مفسر، با مقدمه یاد شده، می‌کوشد دشواری دستیابی به موضوع و غرض همگرا را تبیین سازد. و ثانیاً در نهایت با طرح اغراض اصلی [معظم اغراض...]. اشارت به آن دارد که اغراض دیگر در سوره وجود دارد. ثالثاً نه به یک موضوع و غرض بلکه به دو موضوع ره می‌پوید. و رابعاً هر دو موضوع، آن قدر کلی و انتزاعی‌اند که چندان شاکله‌ای برای تعریف و تمایز سوره بقره نمی‌توانند باشند.

**3. علامه طباطبایی:** ایشان در آغاز سوره فرموده‌اند که بخش اصلی سوره، از هدف واحد در سوره خبر می‌دهد. این که عبادت خداوند، اقتضای آن دارد که انسان، به تمامی آنچه پیامبران نازل می‌کنند، ایمان بیابد و میان پیامبران، فرق نگذارد. سپس طرد کافران و منافقان و سرزنش اهل کتاب شده است، بواسطه بدعت‌های که در دین خدا پدید آوردند و سپس به بیان برخی از احکام می‌پردازد چونان تغییر قبله، احکام حج، ارث، روزه و... (طباطبایی 43/1)



با دقت در تعبیرات ایشان، روشن می‌شود که ایشان سوره بقره را دارای غرض واحد تلقی نکرده‌اند بلکه تعبیر فرموده‌اند: «ان معظمها تنبئی عن غایه واحده.» همچنین مطالبی را که به عنوان غرض اصلی سوره بیان داشته‌اند، از گسست مضمونی برخوردار است. در حقیقت عبارات ایشان، به گونه‌ای است که گویا سوره 3 غرض دارد: 1- ایمان به پیام آوران وحی 2- طرد مخالفان و بدعت گزاران 3- بیان برخی از احکام فقهی.

شاگرد نامور ایشان، حضرت آیت الله جوادی آملی، با الهام از سخنان علامه طباطبایی، به تقریری رو آورده‌اند که شائبه این گسست را به حداقل برساند. ایشان در ابتدای سوره، اظهار می‌دارند:

«هدف واحدی که می‌توان از مباحث متنوع این سوره انتزاع کرد این است که مقتضای بندگی خدای سبحان، ایمان به همه پیامبران و همه کتابهای آسمانی است و بر این اساس، کافران و منافقان را بر اثر نداشتن ایمان مذمت می‌کند و اهل کتاب را به خاطر بدعت‌هایشان... ملامت می‌کند و احکامی را که ایمان به آنها مقتضای اسلام است بیان می‌کند. (جوادی آملی 33/1)

حضرت آیت الله جوادی آملی، انسجام صدر و ذیل آیات سوره بقره را شاید بر ادعای فوق قرار می‌دهند. بیان موجز ایشان، با فرض پذیرش این مدعاست که اولاً صدر و ذیل سوره‌ها، بیانگر موضوع سوره‌اند. و ثانیاً در سوره بقره، مفاد صدر و ذیل سوره، ایمان به پیامبران و کتابهای آسمانی است. علاوه آنکه بخش وسیعی از آیات سوره بقره، که متضمن احکام فقهی است، با تعبیری تکلف آمیز و نه چندان روشن (احکامی را که ایمان...) با موضوع سوره پیوند یافته‌اند.

### سوره‌های مشترک در مضمون

پاره ای از سوره‌های قرآن، مضامین بسیار همگرا دارند. به عنوان نمونه به سه سوره شعراء، نمل، قصص (سوره‌های 28-26 قرآن) اشارت داشت، بخش اصلی آیات هر سه سوره در مورد داستان پیامبران‌اند.

در مورد این سه سوره، به دیدگاه‌های مفسران یاد شده در بخش پیشین، اشارت می‌کنیم:

1. ابن عاشور، غرض سوره شعراء را تاکید بر والا مرتبگی و اعجاز قرآن و تقویت روحی پیامبر در برابر مشکلات می‌داند. (ابن عاشور 107/19)

در هدف سوره نمل، نیز اظهار می‌کند که مهم‌ترین غرض سوره بیان اعجاز قرآن و تبیین جایگاه آن است (همان/216)

همچنین در هدف یابی سوره قصص می‌نویسد:

«این سوره مشتمل بر تبیین علو مرتبت قرآن و تعریض به مشرکان سخنور است که از همانند آوری قرآن - هر چند یک سوره - ناتوانند. و پایان سوره، در تقویت روحی پیامبر است.» (همان 6/20-7)

همان‌گونه که می‌نگرید مفسر معاصر، نتوانسته است بین سه سوره همگرا، تفاوت روشن مضمونی بیابد و در نتیجه تقریباً موضوع واحدی برای هر سه سوره ارائه می‌کند. این نکته، طبعاً این پرسش را پدید می‌آورد که نظریه وحدت موضوعی در هر سوره، متکی بر آن است که هر سوره، با موضوع و هدفی خاص، از سوره‌های دیگر متمایز شوند. و اصولاً از مبادی نظری آن دیدگاه، تفکیک آیات هر سوره از سوره‌های دیگر است که چون به استناد وحی رخ داده، طبعاً بایستی جهت و یا موضوع متمایز، به تفکیک آیات یک سوره از سوره‌های دیگر انجامیده باشد.

حال چگونه، این مبنای نظری را با اشتراک موضوع در چند سوره می‌توان پذیرفت؟

2. سعید حوئی در ابتدای هر سه سوره، اظهار می‌دارد که این سه سوره که هر سه، با «طاء» آغاز می‌شوند (طسم، طس، طسم) مطالب آن در یک دریا می‌ریزند و از یک محور سخن می‌گویند. (سعید حوئی 3897/7)

سپس مفسر یاد شده، 3 محور برای سوره‌های سه گانه مطرح می‌کند:





بیان اعجاز قرآن، ذکر نمونه‌های از پیامبران و در آخرین حلقه آن، نبوت پیامبرخاتم <sup>9</sup> و ارائه معارف بلند از اسلام در بخش‌های گوناگون زندگی (همان/3898)

مطلب فوق، تصریح روشنی است بر موضوعات همگرا در چند سوره مستقل. نکته‌ای که در تعارض آشکار با نظریه وحدت موضوعی سوره‌ها قرار می‌گیرد. نظریه‌ای که می‌کوشد با ارائه موضوعی متمایز در هر سوره، به وحدت بخشی آیات یک سوره و تمایزیابی آن با سوره‌های دیگر دست یابد. علاوه این که محورهای سه گانه یاد شده، عملاً به تعدد اغراض در یک سوره (و نه وحدت موضوعی) ره می‌یابند.

3. علامه طباطبایی در آغاز سوره شعراء اظهار می‌کنند که هدف سوره، تقویت روحی پیامبر <sup>9</sup> در برابر تکذیب مشرکان بود. تکذیب‌هایی که با توهین‌هایی چون مجنون، شاعر، و... می‌آمیخت. خداوند، پیامبر را تقویت روحی و مخالفان را با نقل داستان پیامبرانی چون نوح، ابراهیم، موسی، و... تهدید می‌کند. (طباطبایی، 249/15) و در ابتدای سوره نمل بیان می‌کنند که غرض سوره، بشارت و انداز است که به داستان پیامبران استشهد شده است. (همان/339)

و بالأخره در سوره قصص، اظهار می‌کنند که غرض سوره، وعده به مؤمنان در مکه است که در آن گروهی اندک تحت فشار فرعونیان قریش بودند و این وعده، با ذکر قصه موسی و فرعون، و نیز داستان قارون و... همراه می‌شود. (همان، 6/16) با ملاحظه تعبیر ایشان، روشن می‌شود که گرچه ایشان ظاهراً تعبیری متفاوت را برمی‌گزینند، اما روح و جوهره آن چندان تفاوتی ندارد. تعبیری چون: تقویت روحیه پیامبر <sup>9</sup>، بشارت و انداز، وعده به مؤمنان در برابر مشکلات و فشارهای مشرکان، گرچه ظاهراً عباراتی متمایزند، اما کاملاً روشن می‌نماید که از یک حقیقت سخن می‌گویند: این که خداوند، خواسته است با ذکر داستان پیامبران پیشین و احوال ایشان، به تقویت روحی پیامبر <sup>9</sup> و مؤمنان بپردازد و مخالفان ایشان را انداز و تهدید کند.

موارد یاد شده، نمونه‌های از صعوبت تطبیق نظریه وحدت موضوعی سوره‌های قرآن است. مفسران معاصر، با تمامی همت که در فرایند کشف و ارائه موضوع واحد در سوره‌ها داشتند، اما با اغلاق‌ها و ابهام‌ها و تعارض‌های گوناگون درگیر شدند. البته همان‌گونه که در سرمقاله شماره پیشین اشارت شد، این‌گونه معضلات تطبیقی، گرچه نشان می‌دهد که نظریه یاد شده چندان روان و آسان یاب نیست، اما نمی‌تواند مهر بطلان بر این دیدگاه باشد. این نظریه در سیر تکاملی و تکمیلی خود می‌تواند گام به گام بر ابهامات فائق آید و در مواجهه فهم آدمی با کتاب آسمانی مؤثر افتد.

#### منابع و مأخذ:

1. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، قم، 1417 ق.
2. حوی، سعید؛ الأساس فی التفسیر،
3. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ التحریر و التنویر
4. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم، انتشارات اسراء، 1386 ش.

#### پی نوشت:

- 1- (به عنوان نمونه: طباطبایی، قرآن در اسلام، 186 و نیز: همو: المیزان، 342/13 و 299/12)